

۷۷۷

//

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	خطی
۴۶۵	کرمزاده

۱
۱
۸
۸
۳
۵
۸
۷
۶
۱
۱۱
۸۱
۸۱
۳۱
۵۱
۵۱
۸۱
۷۱
۶۱
۸

این کتاب در دسترس
است و در کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
نگاشته شده است

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	مجموعه دستخط
مؤلف	
موضوع	
شماره اختصاصی (۶۶۵) از کتب اهدائی: یکم زاده	
شماره ثبت کتاب ۷۱۱۰۴۹	

این کتاب به دست
شیرین کبیر مدینه
مکتوب شده است

این کتاب در دسترس
است و در کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
نگاشته شده است

خدا برین
مکتوب شده است

۶۶۵
۷۱۱۰۴۹

شماره اختصاصی (۶۶۵) از کتب اهدائی: یکم زاده

شماره ثبت کتاب ۷۱۱۰۴۹

این کتاب در دسترس
است و در کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
نگاشته شده است

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	مجموعه دستخط
مؤلف	
موضوع	
شماره اختصاصی (۶۶۵) از کتب اهدائی: یکم زاده	
شماره ثبت کتاب ۷۱۱۰۴۹	

این کتاب به دست
شیرین کبیر مدینه
مکتوب شده است

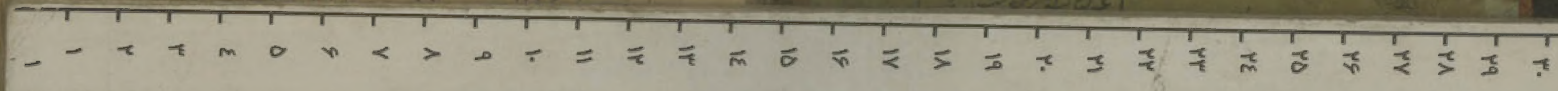
این کتاب در دسترس
است و در کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
نگاشته شده است

خدا برین
مکتوب شده است

۶۶۵
۷۱۱۰۴۹

شماره اختصاصی (۶۶۵) از کتب اهدائی: یکم زاده

شماره ثبت کتاب ۷۱۱۰۴۹



این پنج تصویر است که در این کتاب مذکور است
 و در این کتاب مذکور است که این پنج تصویر است
 و در این کتاب مذکور است که این پنج تصویر است



بر آنکه آدمی را فوایدی باشد که مفسر کرده در وی صورتی
 چنانکه در آیه آمده که در آن حال شود مگر صورتی
 و در قوه مد که آنست که از آن خوانند حاصل شود
 حیوان و عقول آنست که بی از حواس پنجگانه
 در آن صوره و سامعه و شامه و ذوق و لامه و حسه و بصره و سنده
 آنست که به آنها مدد است که نشود و مگر صورتی که در قوه مد که
 آنست که از آن خوانند حاصل شود و با تصور پسند بهشتی

این پنج تصویر است که در این کتاب مذکور است

این پنج تصویر است که در این کتاب مذکور است
 و در این کتاب مذکور است که این پنج تصویر است
 و در این کتاب مذکور است که این پنج تصویر است

بر آنکه آدمی را فوایدی باشد که مفسر کرده در وی صورتی
 چنانکه در آیه آمده که در آن حال شود مگر صورتی
 و در قوه مد که آنست که از آن خوانند حاصل شود
 حیوان و عقول آنست که بی از حواس پنجگانه
 در آن صوره و سامعه و شامه و ذوق و لامه و حسه و بصره و سنده
 آنست که به آنها مدد است که نشود و مگر صورتی که در قوه مد که
 آنست که از آن خوانند حاصل شود و با تصور پسند بهشتی

این پنج تصویر است که در این کتاب مذکور است

این پنج تصویر است که در این کتاب مذکور است
 و در این کتاب مذکور است که این پنج تصویر است
 و در این کتاب مذکور است که این پنج تصویر است

این پنج تصویر است که در این کتاب مذکور است

این پنج تصویر است که در این کتاب مذکور است

این پنج تصویر است که در این کتاب مذکور است

یانکه ندر فاعل است تا جاری باشد و از آنست تصویر اول
 تصویر بزرگ را حکوم است دوم تصویر فاعل را حکوم است
 سیم از تصویر نیست که میان ندر فاعل که نسبت حکمت
 نامعدان که این سه تصویر حاصل شد ادراک نسبت بر وجه
 ایجاد و با سبب حاصل شود پس در بعضی موقوفه
 بر تصویر حکوم علیه و تصویر حکوم به و تصویر
 نسبت حکمت لکن همگی یک امر این تصویران نشانه
 اهل تقوی و عبادت خود فصل بدانکه تصویر برد و قسم
 بدانکه در حصول وی اصباح نباشد بنظر و فکر چون تصور
 و هله درو بر وجه و سپاهی و سفیدی و مملکتان و این
 قسم را تصویر ماضی خوانند و قسم آنکه در حصول وی
 اصباح نباشد بنظر و فکر چون روح و ملک و جبر و مله
 آن و این قسم را تصور مضی خوانند و بر هر یک تصور و
 بر دو قسم است یکی ماضی که عجاج بنی باشد چون نسل
 یانکه اولای و شن است و آتش که است و مله آن و این
 قسم را تصور بدی خوانند و هر یک تصور که عجاج باشد

بنظر چون فساد بنیاد که صانع موجود است و علم
است و غیر آن **فصل** تصدیق نظری را از تصدیق
و فساد بی نظری را از تصدیق حاصل میشود و تصدیق
بی نظری را که وفظ و لا عیا نیست از تزیین تصدیق
پاد فساد همان حاصل بر وجهی که ادا کند حصول طلق
تصدیق پاد فساد بی نظری که حاصل نبوده باشد چنانکه تصدیق
حیوان را با تصدیق و اطلاق کف و بگوئی که حصول تصدیق
انجا که تصدیق انسانی که معلوم نبوده باشد حاصل شود
و تصدیق بانکه علم متغیر است یا تصدیق بانکه وجه
متغیر است حادث است انجا که تصدیق بانکه علم حادث
است حاصل شود **فصل** امتیاز آدمی از دیگر حیوانات
بآنست که او عقل را از معلومات بی نظری حاصل میکند
که بخلاف سایر حیوانات پس بر وجهی که از علم است که تصدیق
صحت و فساد انرا بشناسد تا چون خواهد که محمول
تصدیق و عباد تصدیق را بی نظری را از معلومات تصدیق
پاد تصدیق بر وجه صواب حاصل کند تا آنکه دیگران که

از قصد بوضوح
حاصل خوان کرد

مختصر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

حرف بحال
 وصفه بر
 بر سر سینه ط

زیر

A small, simple line drawing of a landscape. It shows a river or path flowing from the left towards the right, with stylized mountains or hills in the background. The drawing is located at the bottom of the page, below the main text block.

دفعہ دوم

چون جسم نای و الکی و اید را و جنس نه مرته باشد
بعد از مرته باشد چون جسم مطلق الکی و اید را
مرته باشد و بعد از مرته باشد و علی هذا القیاس و الله
جناح احسن علی الخلق چون مرته الکی و اید را و اید را
علی الناس احسن اذ الکی و اید را و اید را و اید را
کثره و اید را و اید را و اید را و اید را و اید را
خواتم چون جسم نای و الکی و اید را و اید را
ایستاد بیان از اجزای یک عالم شریک است و اید را و اید را
افراد تمام شریک نباشند از اصول خواتم زیرا که آن
فصل حقیقت را غیر از کلمات غیر از اجزای خود از اجزای
شریک نباشند از اصول وجود و اید را و اید را و اید را
از اید را و اید را و اید را و اید را و اید را
فصل و اید را و اید را و اید را و اید را و اید را
نباشد از وی نیز از حقیقت و اید را و اید را و اید را
حاصل و اید را و اید را و اید را و اید را و اید را
هر یک از اید را و اید را و اید را و اید را و اید را
نموده و اید را و اید را و اید را و اید را و اید را
خواتم و اید را و اید را و اید را و اید را و اید را

ویرهاست دیگر جواب ما هو جود انسان که مقول
میشود بر وی و ما هستی فر جود مثلا که جنس است
در جواب ما هو و نوع اصنافی است که نوع حقیقی باشد
جود انسان قیاس بحول میماند که گفته شد باید که باشد
جود جود که نوع است و جسم یا ذرات و جسم
نامی که نوع اصنافی جسم است و جسم که نوع اصنافی
جود است و اما آن یکی که از حقیقت افراد خارج است
الخصوص بلکه حقیقت باشد از افراد خارج است
اما هر که در این مرتبه خود را یکی باشد که مقول
در جواب است و هو نوعی جود صلاحت
و اگر گفت که باشد میان دو حقیقت باید بینش
عام فاعل جود باشد که مشترک است میان
حیوانات و گیاهات و معرشد و بی معرشد و نوع
و خصوص و عرض عام و معرشد و بی معرشد
حکام و آن مرکب باشد از جنس و قیاس و
جود جود فاعل و غیره انسان است
و آن مرکب باشد از جنس و قیاس و فاعل
مالی فاعل بلحم فاعل و بلحم و غیره

[illegible]

انسان سیم ریم نام و آن مرکب باشد از جنس قریب و
چون حصول آن حال در فقره اول از آنچه در سیم نام
و آن مرکب باشد از جنس دیگر و خاصه چون جسم
ثانی ضاحک باشد و به جسم ضاحک و با وجود ضاحک
در فقره اول انسان و پیش از آن اصول و غیره معقوله
انسان حاصل شوند در فقره هفتم استعمال الفطری
و غیره اجزای نباشد الا خود که فریه واضع باشد
بلکه در آن حقایق وجودی چون انسان در قرین
و مانند آن و غیره در میان اجناس و حصول آن حقایق
و میان آن عرض عام و خواص در هفتم اسکا است اما
داشتن صفات اصطلاحیه و غیره در میان اجناس
و آن عرض عام و میان فصول و خاصیات است چون
مفهوم کلی و اسم و فعل و معرف و معرب و مین و منفرد
و مانند آن چون قاع است در این باب و تصور این
پس وقت شروع است در مباحث تصورات و غیره
در فصل تصورات فطریه و محال بودیم بدین
بلی با آن موصول تصور کران فعل نشاء است از آن
مربط بود پس در فصل تصورات فطریه و غیره

بر وجه دیگر است. موصل بصدوق الحی است با قضا خود
و دیگری بنیاد قضا با حکم است. هر یک بود و نتایج آن که
قضا یا مقدم باشد پس بگویم قضیه اولیست که صحیح باشد و صدق
و دیگر با قائلوی و قضیه ثانوی و معنی مرکب آنجا جاری بود حکوم
علیه و محکوم به و نسبت حکم و حکم با مجاب و عا بسبب فرق میان
نسب حکم و حکم در صورتی که ظاهر میشود که اینان حکم و قضا
نیز اگر کشد و اولیست و حکم نسبت فصل قضیه بر دو قسم است
حالی و غیره طریقی و نظریه قضیه نیز از محکوم علیه و محکوم به
نظر مندرج فایده دارد حکم دوم فایده باشد از اوضاع و احوال
خواه موجود است و فایده است و خواه سال حیوان نسبت به حکم
مقرر باشد از اوضاع و احوال و فایده ای که فایده نباشد از اوضاع
از اثر طریقی خوانند پس اگر حکم با فصول است از اوضاع و احوال
خوانند خواهی بود یا نه چنانکه گویند اگر اوضاع اطلاع است و
موجود است و خواه سال حیوان که گویند نسبت چنان که اگر اوضاع
اطلاع است نسبت موجود است و اگر حکم با فصول است از
قضیه از اثر طریقی خوانند خواهی بود یا نه چنانکه گویند این
حد و خارج با فصول سال حیوان که گویند نسبت چنان که اگر اوضاع

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

منه من انوار
الدين في
شرح الفقه
في شرح
الفقه

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of a letter or a chapter from a book. The text is dense and covers the upper right portion of the page.

Handwritten text in Arabic script, located in the upper left margin. It appears to be a separate note or a continuation of the main text.

Handwritten text in Arabic script, located in the lower left margin. It includes a small circular red stamp or seal.

Handwritten text in Arabic script, covering the upper right portion of the page. The text is dense and appears to be a continuation of a letter or a chapter from a book.

Handwritten text in Arabic script, covering the lower left portion of the page. It includes a small circular red stamp or seal.

Handwritten text in Arabic script, located in the lower left margin. It includes a small circular red stamp or seal.

سورة مائدة من كتاب القرآن
في موضع الصلاة
وغير موضع الصلاة



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في هذه الصلاة
مناجاة لكل محتاج
وغيره من الخصال
التي لا يحصى
الحمد لله الذي جعل في هذه الصلاة
مناجاة لكل محتاج
وغيره من الخصال
التي لا يحصى

الحمد لله الذي جعل في هذه الصلاة
مناجاة لكل محتاج
وغيره من الخصال
التي لا يحصى
الحمد لله الذي جعل في هذه الصلاة
مناجاة لكل محتاج
وغيره من الخصال
التي لا يحصى

الحمد لله الذي جعل في هذه الصلاة
مناجاة لكل محتاج
وغيره من الخصال
التي لا يحصى
الحمد لله الذي جعل في هذه الصلاة
مناجاة لكل محتاج
وغيره من الخصال
التي لا يحصى

الحمد لله الذي جعل في هذه الصلاة
مناجاة لكل محتاج
وغيره من الخصال
التي لا يحصى
الحمد لله الذي جعل في هذه الصلاة
مناجاة لكل محتاج
وغيره من الخصال
التي لا يحصى

100

اشبهوا وغيره من معانيه وفي الحذف وفي
 كلامه وكل ما مضاف اليه ضمير
 تارة في رفعه والواو في الجمع للمفعول التام
 ملحقاته وهي الواو عشرة وفيها واسماء
 السند وما هو واخر وجوها وفوقه وجوه
 وما في مفرقة مكررة مضافة الى الفعل التام
 والنون في المضارع المتصلة به صهيروا
 اوجع او مخاطبة نحو في علات وتفعلا

اشبهوا وغيره من معانيه وفي الحذف وفي كلامه وكل ما مضاف اليه ضمير تارة في رفعه والواو في الجمع للمفعول التام ملحقاته وهي الواو عشرة وفيها واسماء السند وما هو واخر وجوها وفوقه وجوه وما في مفرقة مكررة مضافة الى الفعل التام والنون في المضارع المتصلة به صهيروا اوجع او مخاطبة نحو في علات وتفعلا

ويضفون

ويضفون ويضفون ويضفون ويضفون
 انصب نحو في الفتحه والالف والباء والكسرة
 وحذف النون والفتحة في الاسم المفرد وفي
 لكسر والمضارع والالف في الاسماء الستة
 والباء في الماضي وفتحها والياء والكسرة في
 للمؤن التام وحذف النون في الافعال الخمسة
 والياء في التثنية والكسرة والياء والفتحة في الكسرة
 في الاسم المفرد وفتحها للكسر المنصوب

ويضفون ويضفون ويضفون ويضفون

الركب في كرم في كرم ٩٨٨ واداءوا في كرم
 جمع المؤنث التام والياء في الاسماء الستة
 والفتحة والجمع والفتحة في غير المنصرف وعلا
 من الهمز التكون والحذف التكون في
 المضارع في الحذف فيه معلا في الالف
 فعال الخمسة فائدة بقدر الاختصار في سبعة
 مواضع كما هو المشهور فطال في الالف
 سم للمفصول كموسى والمضارع في الالف
 الباء كغلامه والمضارع المتصلة به نون

ويضفون

ويضفون

تاكيد غير مباشرة كضربان وفتحها
 في المنفوس كفاض وفتحها ونصب في المضا
 في المضارع بالفتحة في فعل في المضارع
 المنفرد بالواو والياء كعبود وفتحها في جمع للذ
 كالتام المضاف الى الالف كسلي العذبة
 الثانية فيما يتعلق بالاسماء الاسم ان
 اشبه الحرف فيقول لا يعرب والمعرب
 انواع الاول ما يورده في غير هو

ويضفون ويضفون ويضفون ويضفون

في قول الفاعل وهو ما استدل به العمل
 فيه قائم به وهو ظاهر وهو ضريح الظاهر
 والمضمر ما به وصنوا له مستأجبه الفعل
 في سنة مواضع فعله الملاحظ لذلك
 والمضارع المبني على مخاطبة التوكل وبالجملة
 التانور والفعل المستأجبه وفعل الضمير
 والمضارع المبني على قيامه ويقوم وما يظهرون
 في بعض هذه المواضع كلهم انما

فيكون في هذه المواضع كلهم انما
 فيكون في هذه المواضع كلهم انما
 فيكون في هذه المواضع كلهم انما
 فيكون في هذه المواضع كلهم انما

فالكبد للفاعل كذا فانما يصير ويلازم
 الفعل علامة التانيث كان فاعله ظاهرا
 حقيق التانيث كفاية هذا وضوح
 منصرفا مطلقا كفاية هذا وضوح
 طاعت والظاهر مع الظاهر المقتضى كطاعت
 او طلع الشمس ويخرج ذكرها مع الفصل
 الا فوضعت او فعل الفاعل كفاية
 مع الفصل ما قام الا انما وفي باب

فيكون في هذه المواضع كلهم انما
 فيكون في هذه المواضع كلهم انما
 فيكون في هذه المواضع كلهم انما
 فيكون في هذه المواضع كلهم انما

هذا هو المضاف
والذي هو المضاف اليه
في قوله تعالى
والمؤمنون هم الذين
يؤتون الزكاة
والمؤمنات هم
الذين يؤتون الزكاة
والذين يؤتون الزكاة
والذين يؤتون الزكاة

واحد ~~المضاف~~ ^{المضاف اليه} يجب مجزئ المضافين
التي وقع المضاف والجمع وعلقا بينهما
اضافة صفة الى موصولها ونقطتها ولا تضاد
تحقيقا والامتنع به وتقبل مع مقام معرفة
وتخصيص مع التكرار والمضاف اليه في
جنس الاضافه وهو مجزئ وعوض فلا فيه معنى
او غيرهما فيقول الامم وقد كسب المضاف
للمدح من المضاف اليه المنعوت فامتنع به بالهكم
جوز

بشرحوه ان لا استغناء عنه بل لفظا به كقول
من قصد الفناء في الامم وقوله
انما العباد ~~المضاف~~ ^{المضاف اليه} كوفي في المصطلح المهي
وقوله اذنع فامتنع ^{المضاف} ^{المضاف اليه} هذا ^{المضاف} ^{المضاف اليه} في المص
بالدق وهو ما ثبت اليه في جوامع حروف
منقوطة ولشهور حروف الجارية عشرة
وسبعة منها بحر الظاهر والمضمر وهو في
وعن علي وفي الباب واللام وسبعة منها
بحر الظاهر فقط وهو من ممد وتخصيص

هذا هو المضاف
والذي هو المضاف اليه
في قوله تعالى
والمؤمنون هم الذين
يؤتون الزكاة
والمؤمنات هم
الذين يؤتون الزكاة
والذين يؤتون الزكاة
والذين يؤتون الزكاة

والله اعلم بالصواب

بالفعل وتختص بالنكرة والمثاء للضم

وتختص باسم الله فعلا وحرفا كان

والاول لا تختص بظا ومعين **الفتح**

ما يرد منصوبا وغير منصوب وهو جملة

المشتبه وهو المذكور بعد لا واخواتها

الله لا على عدم انصافه بما ان له سائفة

دوحه كما ان كان مختصا فظا

والا فمقطع فليس في منه اصعب **العمل**

ويستوفى غوا الكلام غير موجبا

والله اعلم بالصواب

هذا هو المختار في هذا الباب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

ولا ذكر فان كان الكلام موجبا

نصبه والا فان كان متصلا فالحرف

البناء على اللفظ هو ما فعلوا الا ان كان

ثبوت فعله في قوله الله ان كان

منقطعاً فليست بواجبة بوجوب النصب

والفهميون يجوزون الانباء نحو ملجأ

القوم الاحياء او **الجملة** والاشياء

وعلا وحاشا لنصب فعلها او يجر مع

وبليس ولا يكون منصوبين خبرية

والله اعلم بالصواب

هذا هو المختار في هذا الباب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

منه وجوباً باخلاقاً وماعداً منصوب

وبغيره وسوى غيره وبما لا ضافة وبغير

غيره بالحققة المستترة بالآلة وسوى كغيره

فوم وظرف عند الخرب **الفصل الثاني** المشغول

عنه الفاعل الذي مشغول بما لا يخلو عن اسم مقدم

نصب ضميره ومنعطفه كان ذلك الاسم

خمس حالات فيجب فيه به تعامل مقدم بغيره

المشغول إذا نفي ما لا يخلو الآضلا كما إذا مر

الضمير نحو هو ما لا يخلو الآضلا وكذا إذا

الضمير

منه وجوباً باخلاقاً وماعداً منصوب
وبغيره وسوى غيره وبما لا ضافة وبغير
غيره بالحققة المستترة بالآلة وسوى كغيره

منه وجوباً باخلاقاً وماعداً منصوب
وبغيره وسوى غيره وبما لا ضافة وبغير
غيره بالحققة المستترة بالآلة وسوى كغيره

الشرطية نحو إذا نفي الآضلا فأكبره بغيره

بالأنداء إذا نفي ما لا يخلو الآضلا كما إذا نفي الآضلا

نحو خرج إذا نفي بغيره بغيره والفضل بغيره

المشغول بالآضلا بغيره بغيره والآضلا بغيره

إذا نفي بغيره بغيره والآضلا بغيره

نصبه بغيره بغيره والآضلا بغيره

طلب

نصبه بغيره بغيره والآضلا بغيره

نحو بغيره بغيره والآضلا بغيره

نصبه بغيره بغيره والآضلا بغيره

نصبه بغيره بغيره والآضلا بغيره

والا فاعلم ان هذا المصنف قد نقل عن غيره في هذا الباب فليس هو الذي وضعه بل هو الذي نقله
عن غيره من المتقدمين في هذا الباب

فوق ما قام به من ذلك فانه فاعلم

على الامتية او نصيبا فعلا الفعلين

الرفع فيما عدا ذلك ولو لم يعلم القدر نحو

بما يضربه **الفصل المبادئ** وهو المندعو

بابا او بها او الى او مع او بعد او بها المندوة مع

الفعلين فيما مطلقا ويشترط ان يكونه مظهر

وبما ان تضعيفه واخلوه عن اللام الالف

ولفظ الجلالة وما التي مثله وقد يختلف

حرف الدلالة الامع **الحرف المندوب** والمستغاث

الاسم

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

والاسم الامتية ولفظ الجلالة مع عدم اليقين

في الاغلب فان وجدت لام المندوب **فصل**

المفرد المعرفه والنكرة المقصودة ببيان على

ما يقع عليه نحو بيانها وبها جلاله والمضاف

وشبهه والنكرة غير المقصودة بنصب نحو

باعد الله باطا العجايل او با جلاله خبير

والمستغاث بغيره لانها وبقية لا انفها

ولا لام نحو بيانها وبها جلاله والعلم المفرد

الموصوفات او ابينة مضافا الى علم الخلق

الاسم

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

هذا هو الذي وضعه في هذا الباب

فان كان مع الفاعل بخلافه فاعلم
نصبه وللمرء ان كان كذا فكذا لغيره ولا يكون

عليه وليس عليه ما مضى من السلام ولا كذا
يؤخره ونصبه كذا

بانهم بنو عدي فاعلم
مطلقا اما للفرقة فواعلم للفرقة

وتواعلم للفرقة فواعلم
وعطف البيان رفع على لفظه ونصب

عليه والبدل كذا
مطلقا اما للفرقة فواعلم

عليه والبدل كذا
مطلقا اما للفرقة فواعلم

فان كان مع الفاعل بخلافه فاعلم
نصبه وللمرء ان كان كذا فكذا لغيره ولا يكون

فان كان مع الفاعل بخلافه فاعلم
نصبه وللمرء ان كان كذا فكذا لغيره ولا يكون

عليه وليس عليه ما مضى من السلام ولا كذا
يؤخره ونصبه كذا

بانهم بنو عدي فاعلم
مطلقا اما للفرقة فواعلم للفرقة

وتواعلم للفرقة فواعلم
وعطف البيان رفع على لفظه ونصب

عليه والبدل كذا
مطلقا اما للفرقة فواعلم

عليه والبدل كذا
مطلقا اما للفرقة فواعلم

فان كان مع الفاعل بخلافه فاعلم
نصبه وللمرء ان كان كذا فكذا لغيره ولا يكون

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١

فهل علمت وفلا يسروا فليعلموا الا بال
البركة من كلام الاستيعان
او فوالله ولا يفتي ولا يجمع ولا يقدر
ولا يبيع خوه ولا اميرك وهو صندك
وانه الاميرك وكان التام صنفه
فان ذلك بعض الفقير عودا
الضمير على المناظر لفظا وبنية فخرج
موضع لاذ كان مفعولها والمناظر

قال الرازي والارستقسطا في بيان وجعلنا النور من مفعول الكسب واضحه الفاعل في قوله النور
المتنبر ولا جعل النور من مفعول الكسب وجعلنا النور من مفعول الكسب وجعلنا النور من مفعول الكسب

وعلما الثاني خواركان داكمم الزيديين
 في التفسير الذي كان في العاقل الاول بعد الامام الحسن عليه السلام
 او كان فاعلا مقرا انهم يوافقون جلايل
 او كان مقبلا منه ظاهر بخبره سديد
 او هو راجع على ضعف بخبره جلايل
 للشاوا والافصة كما مر منها الماء الامان
 وهو ما وضع انما الله فلا ف والمكدا
 وشاهه ذاك مرفوع الى اوفى منصوبه
 وهو وان هذا الساجد ساقول والله
 المرفوع في ذوقه ووفوفه وشاهه ما في

وغير نصبا وجرأ لجمعها مذكور في

خلهاها النية وفيها كالمط

باللام للوسط ومعها للبعيد لا في المثلث

ولجمع عنده وفيما دخلها النية

فيها الوصول وهو حرفي واسم فالحرف

كل حرف أو مع صلته بالمصدر والمثلث

خبرته وقت وفاته ولو غوا له بكفهم

إذا انزلناه فاد فصول خبركم بما ضا

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

يوم الحساب كما يكون على المؤمن

ابن واحد من ابني الف سنة

والوصول لا يني ما يقف الى صله فعايد

وهو الذي للذكر والني للوثة المذكور

لما هما بالانفاد كلا مرفوع الى والذين

والذين بالان ان كان امنه صيغة او

والذي والذي مطلقا جمع للذكر واللا

والذي جمع للوثة وهو ما في

وهو في فعل ما في الاستفهام

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

والذي والوثة مسئلة اذا قلت ما فاضع

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

وهو في ارباب فلم يوصله ما في سبيل ان
الجواب فقولك العاقبة هما مفعولان
ولذلك هما مفعولان بمعنى اي شي اولي

مخبر فالكلمة مفعولان والرباب على التثنية

مخبر فالكلمة مفعولان والرباب على التثنية

ما كبر في لفظ ليرينيهما نسبة فان

نظروا في حقايبنا في عشرة

ولفهما الاثنى عشر ففهمه اذا لا واما

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

مغرب على الخار والاعراب الثاني كعلبك

انما يكون في التركيب مبتدأ كقوله

كافز فمفعولان الارباع وهو

الاول الف وهو ما على مفعولان

مطلقا ولا غلب شفاقة وهو لفظ الموصوف

وتبعه اعرابا ونكر او اكرافا

وجعا ونذكر او فاني اوصافه

والثانية الاول فمافي الوافي فافز

ضم الموصوف فافز فافز فافز

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

جاءت جارية او عالية او عايلة

وهو لفظ ليرينيهما نسبة فان

نظروا في حقايبنا في عشرة

ولفهما الاثنى عشر ففهمه اذا لا واما

وهو ما يعي واصله الواو والفاء او ام و

اولم اولم او اولم او اولم او اولم

نظروا في حقايبنا في عشرة

ولفهما الاثنى عشر ففهمه اذا لا واما

الامع المصطلح فافز فافز فافز

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

لا يوصف العاصف ولا عطف ووجبات انا

ولا آياتنا فافز فافز فافز

على خبره في خبره في خبره في خبره

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

الفرق بين الفعلين...
والفعل...
والفعل...

والعبر وبطابق المذكور غير الشبهة بها
 فيها كاي نفعوا جاني زيد نفسه والمزيد
 انفسهما والمزيد وبنفسهم وكلاهما
 للمقابلة وكل واجمع والجمع وعامة
 لغوهم من ذي الجري بضع افعولها وادعيا
 نحو شرب العبد كذا ويضربون وضربا
 للوك وفتح يجمع كاي جمع واخوانه
 مطابقه **الاول** بوجه الشك
 الجمع الفائتة ومنه ما منع ما ثبت جديدا

هذا هو المعنى الذي مر عليه في المتن وهو ان يكون اللفظ في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا

وجاءت في هذا كذا وكذا وكذا
 للمضارع **ب** او مضارع بالقرن والعبر فيقول
 هو قوما وانتم نفسك وفتح انفسك **الجمع**
 البدل وهو الناجع للفصود اصله انما هو
 من الكمال وهو ما يدل الكمال الكمال لبعض
 للبدل منه **ج** بحيث نشو والسامع
 ذكره نحو يستأمنه عن الشهادة المماثلة
 والبدل المبائن وهو ما ذكره للمبالغة فيقول

هذا هو المعنى الذي مر عليه في المتن وهو ان يكون اللفظ في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا

لقد بدله كذا في جيبه في ثمن وفتح من
 الفصحى او التراكب الغلط في اللفظ
 نحو جاءني العبد وفتح من وفتح من
 لا يدل الظاهر على المضمير بدل الكمال
 من الغائب نحو صوبه زيدا وقال بعض المحققين
 لا يدل المضمير من مثله ولا على الظاهر وانما
 به لذلك مضموع على العرب فثبت ان
 هذا بناء ناك بلفظ الظاهر عطف على
 تابع شبه الصفة في موضع مبنوع

هذا هو المعنى الذي مر عليه في المتن وهو ان يكون اللفظ في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا

نحو جاني زيدا وكذا في جيبه في ثمن
 كالتعريف وفتح من البدل نحو هذا
 هاتين لأن البدل منه منفرغ عنه وهذا لا بد
 وفي قوله المادف وجاء الضارب الرجل زيد
 البدل في قوله ذكره العام او جاني احد والمضارع زيد
 منعا لأن آة العامة المشبهة بالافعال هي ايضا
 خبره كقول المصنف وهو اسم المذكر الذي استق
 منه الفعل وبعدهما فعل مطلقا الآ اذا كان
 بدله من الفعل وجها فلا يكون حيا الى

هذا هو المعنى الذي مر عليه في المتن وهو ان يكون اللفظ في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا
 في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا في قوله بضع افعولها وادعيا

المراد من الفعل كونه على ما لا يتقدم به المفعول
 باللام في قوله تعالى فاعلموه ولا يقدر مع علمه ولا
 فاعلموه ولا يقدر مع علمه ولا يقدر مع علمه ولا
 ان غرضه ان يبين ان

الفعل ياتي في الابدال الثلاثة اسم الفاعل
 واسم المفعول واسم الفاعل ما على حدث وقيل
 على معنى المفعول فان كان صدره لا على مطلقا
 ولا يشترط كونه لا الا ان تسبق المفعول
 على وقوعه واستفهام او خبر عنه او موصوف
 او خبر حال لا يعمل به في الاضمار في الكلام
 وكلهم باسمه في ما لو جاء بحكاية

المراد من الفعل كونه على ما لا يتقدم به المفعول
 باللام في قوله تعالى فاعلموه ولا يقدر مع علمه ولا
 فاعلموه ولا يقدر مع علمه ولا يقدر مع علمه ولا
 ان غرضه ان يبين ان

الفعل ياتي في الابدال الثلاثة اسم الفاعل
 واسم المفعول واسم الفاعل ما على حدث وقيل
 على معنى المفعول فان كان صدره لا على مطلقا
 ولا يشترط كونه لا الا ان تسبق المفعول
 على وقوعه واستفهام او خبر عنه او موصوف
 او خبر حال لا يعمل به في الاضمار في الكلام
 وكلهم باسمه في ما لو جاء بحكاية

معرفته والهيئ ان كان فاعله في الجملة اضافة
 وهو مع كونه في الثلاثة اقسام الالام او المفعول
 مع كل واحد من الثلاثة اقسام الالام او المفعول
 عند اصابته في غيره فالتع كماله
 المن وجهه في لغة العرب واختلف في حسن

وجهه اما في الالف فالحسن في الضمير الواحد
 وهو في لغة العرب والضمير في هو وان كان
 في الالف فالحسن في الضمير في هو وان كان
 في الالف فالحسن في الضمير في هو وان كان

معرفته والهيئ ان كان فاعله في الجملة اضافة
 وهو مع كونه في الثلاثة اقسام الالام او المفعول
 مع كل واحد من الثلاثة اقسام الالام او المفعول
 عند اصابته في غيره فالتع كماله
 المن وجهه في لغة العرب واختلف في حسن

وجهه اما في الالف فالحسن في الضمير الواحد
 وهو في لغة العرب والضمير في هو وان كان
 في الالف فالحسن في الضمير في هو وان كان
 في الالف فالحسن في الضمير في هو وان كان

هذا هو الراجح من قولين
في معنى الراجح من قولين

منه لا يخص بالفاعل والمفعولين

بمعنى صفا العالم كونه الوصف بجمع الغير المتألف

كله في فعله من وجوده معلوم والصفة

صفا للموازن الفعلية كونه الوصف بجمع

جميع الباب كونه الوصف بجمع

المتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

هذا هو الراجح من قولين

هذا هو الراجح من قولين

هذا هو الراجح من قولين

هذا هو الراجح من قولين

هذا هو الراجح من قولين

منه لا يخص بالفاعل والمفعولين

بمعنى صفا العالم كونه الوصف بجمع الغير المتألف

كله في فعله من وجوده معلوم والصفة

صفا للموازن الفعلية كونه الوصف بجمع

جميع الباب كونه الوصف بجمع

المتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

للمتألف كونه الوصف بجمع

الجنة ويجوز ان يكون قد احفظ كلام الرب
 المسوفون يكونون متقون خوفاً كان الله
 واما هؤلاء الاغنياء الذين لم يعطيتهم
 حقاً اليه فلو انهم لم يكونوا مسوفين
 او صلبين غور في خفاياهم ولا في افعالهم
 وشرب النبيذ وحق بمعول الا انهم عرفوا ان الله
 الاستقبال فهو اسحق فغيب المشركين
 حق احفظ الجنة فاذ لم ينعزلوا لما كانت
 حقا بل آتت فصل العوائق فاعلموا انهم

فعلا واحداً وهو اربعة احرف الالام والشر
 حولهم يهدونهم الى الله فلم يطيعوا
 في التقوى والقيام بالحق فغضبوا به
 ان الله الشرايع وانهم لم يكونوا يطيعون
 غلبوا بهم ثم كانت وتخص الامم اربعة فيهما
 خوف من الله وبينه ولما كان فيهم من موافق غالباً
 كقولك لما يركب الامم الشرايع ركوبه
 ما ينجيهم فاعلموا وهو غور واذا ما وافق
 وهو وانهم انما وافقوا فاعلموا انهم

الطهارة في الخبر

في الجنة

ما ضرب من ضرب

والجاء اسماء على الاشهر وكانها بقضي

وجاء مضارع او مضارع او مضارع فان كان

مضارع او مضارع او مضارع او مضارع

التي هي حرفة فوجها وكنها جرحا فجمع جعله

شرطا والفاء لا نهية لم تكن جمل اسمية

او انشائية او فعلا جامدا او ماضيا مفعولا

بما هو لا يتم فانما اقوم او فاعلا او فاعلا

او فاعلا فمست **ف** ويجزم بعد الطلابة

مع فضاء السببية نحو خمر في اكرمها لا تكلف

فانما / انما / انما / انما

غرضان ففرب

اضرب

ان تقسم

فيما لا يجزئ ومنه منع لانهم ياء في التاء
فيما لا يجزئ ومنه منع لانهم ياء في التاء
فيما لا يجزئ ومنه منع لانهم ياء في التاء

بالحزم لفساد المعنى **ف** افعال الملح والذين لها

وضعت لانشاء مع او ضم فيها مع وجوب

فكونها برفع فعلا معقبا بال او مضافا الى معنى

بها او ضمرا مستترا فمستتر بهن ثم بذلك المحض

مطابقا للاقال ويجعل مستترا مقدم الخبر او ضمرا

مصدورا للمبتدأ نحو نعم لانه هذا ويبرئنا الله

الافتلا وساء جلالها ومنها خبر ولا خبرها

كهم ويبرئ والفتل او مضافا وبعده المحض

لله

فيما لا يجزئ ومنه منع لانهم ياء في التاء
فيما لا يجزئ ومنه منع لانهم ياء في التاء
فيما لا يجزئ ومنه منع لانهم ياء في التاء

والنار على فائدة او بعدة متبدا واحدا على وجهه

خو جذا نيلت وخذا نيلت كبا وخذا نيلت

هذا فصل في فعله القوي فعلا وضعيا

لكنه القوي بها ما فعله وفعلا به ولا يترك

الا مما في قوله اسم القضي ويوصل الى

الفا موبدا او مشددا ولا يترك فيهما موبدا

انفلا او موبدا في بعض شي وما سبلها خبرها او

موصولا وما فعلها حاصلها الخبر موبدا

وما جعلها موبدا عند مسبوقة وهي ان لا

عز

هذا فصل في فعله القوي

الجلد الاستهتة

افعاله دخل على الخفيف لسان فافشلت عنه

منظر او يقرب وينصب المبدأ والخبر مفعولين

ولا يجوز حذف واحد من واحد وهو وجعل في

لبن الخبز فواتم القوا اباهم صالبا ولا

مجدبا اكرم لافيق فجعلا ونجم الظن نحو

فجعلوا لما نكح الذين هم عباد الرحمن انا مائسا

ونعم الذين كفروا ان لم يعصوا وعلموا

للمؤمنين والغالب اليقين فواتم خبره موبدا

بها

الذين والذين

هذا الفصل في فعله القوي
الجلد الاستهتة
افعاله دخل على الخفيف لسان فافشلت عنه

منظر او يقرب وينصب المبدأ والخبر مفعولين
ولا يجوز حذف واحد من واحد وهو وجعل في

لبن الخبز فواتم القوا اباهم صالبا ولا
مجدبا اكرم لافيق فجعلا ونجم الظن نحو

فجعلوا لما نكح الذين هم عباد الرحمن انا مائسا
ونعم الذين كفروا ان لم يعصوا وعلموا

للمؤمنين والغالب اليقين فواتم خبره موبدا

هذا الفصل في فعله القوي
الجلد الاستهتة
افعاله دخل على الخفيف لسان فافشلت عنه

منظر او يقرب وينصب المبدأ والخبر مفعولين
ولا يجوز حذف واحد من واحد وهو وجعل في

لبن الخبز فواتم القوا اباهم صالبا ولا
مجدبا اكرم لافيق فجعلا ونجم الظن نحو

فجعلوا لما نكح الذين هم عباد الرحمن انا مائسا
ونعم الذين كفروا ان لم يعصوا وعلموا

للمؤمنين والغالب اليقين فواتم خبره موبدا

وما يذبحها الجاهل فوالله تصح كذا في ناسنا

فما عمن الكلام عند الاكر فان يذبح

باسم فاسمية نحو يذبح قائم وان يذبحوا يذبحون

ولتذبح قائم ذكرا عن يذبحوا ويقبل

ففعليه كقام يذبح وقام يذبح يذبحه

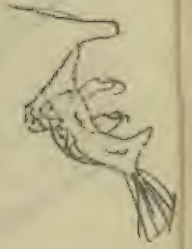
وباعيد الله وان لم يذبح المشرك يذبحه

لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله

او كان خيرا لبيد في جازلة فكبري فغفر

قام ابو وقام ابو صفري والبع كبري وقد

يكون



يكون صفري وكبريا عسائير كل صفري

غلاما منطلقا فله يكون صفري

كبري كقام يذبح **اجمال** الجاهل اليها محلا

مسح الخبثية والحالة والمفعول بها والفتا

اليها والمواضع جوالا للشيء جازم والفتا

لمفرد ولا تفعلة لجملة اليها والفتا

اليها ايضا مسح لمساوقة والمفعول بها

والصلة والمجاوب بها الفهم والمجاوب بها

عوج جازم والمتابعة لما لا محالة

فصل

فصل



الامثلة المتعاقبة في الوافعة خبراً

البيداء وكذا التواضع وصفاً للرفع والاض

ولا يفرقها من خبر مطايفها في الوافعة

الا اذا اشتملت على المبدأ او على التواضع

المبدأ وكانت فصيلاً للمبدأ

فظهر ان يكون خبرية غير مصدرية

والضمير اظهرها والفعالية ان كان في

مضارع مثبت بل هو قد في الضمير وحده

محو

Handwritten marginal notes on the right side of the top page, including phrases like 'الامثلة المتعاقبة' and 'البيداء'.

جاءت في البسج او معها فاع الوافعة فوجد

فوقه فاعلم ان في رسول الله والافعال كالمهية

ولا يفرقها من خبر مطايفها في الوافعة

الا اذا اشتملت على المبدأ او على التواضع

المبدأ وكانت فصيلاً للمبدأ

فظهر ان يكون خبرية غير مصدرية

والضمير اظهرها والفعالية ان كان في

مضارع مثبت بل هو قد في الضمير وحده

محو

المضاف اليها فرفع بعد ظرف الزمان

محو

المضاف اليها فرفع بعد ظرف الزمان

محو

Handwritten marginal notes on the left side of the bottom page, including phrases like 'الامثلة المتعاقبة' and 'البيداء'.

نحو السلام على يوم ولدت واذكر ولدنم
فلبا وبغاجت ولا يضركم ولا يظركم

للكلام والاول ذكر اضافتها الفعلية
الخامس الواقعة جويلية لخط جانم

مفروقة بالقاء اوذا الفجائية ومجانها الم
نحو من فضال الله فلا هادي اليه وان
نصهم مبينة بما قد ابدى لهم انهم بقطر

واما اخوانهم وان وقت فالحزم فيه للفعل وحسب
السادس التابعة للغير وعلمها نحو
والغوي

والنحو هو ان ينجحون فيه الى الله ونحو اولم يروا

والنحو هو ان ينجحون فيه الى الله ونحو اولم يروا

الظفر فوفهم صافات وبقيض **الطابع**

التابعة بحمد لها مائة ومائة اجبها نحو

قام وفعل بالعصف على الصغرى ونفع بذكر

من الاطراف ايضا بسط كونها اوتبادعة

صوفية افول الله ارجل لا تفهم عن فافض

لأفلا ولا عما لا محالة المسابقة وهو المقربة

الكلام والمنقطع عما قبلها خوفا لاجل

فولهم ان الغيت لله جيعا وكذلك جولة

فجز الى العزة قد كمن مستألف

مقدمة

المقدمة الثانية في النظم والوصف

المقدمة الثالثة في النظم والوصف

من شأنهم عدم نوسط الكسوف بينهما

غالب بين الصفات والصفات

وصلة القسم وجوابه والوصف

المقدمة الرابعة في النظم والوصف

المقدمة الخامسة في النظم والوصف

لما يليه فوارق على عند الله كماله دم

خلفه من رتب والأخوات

فلهي حسب ما يقدر

المقدمة السادسة في النظم والوصف

وغيرها

مقدمة

المقدمة الثانية في النظم والوصف

المقدمة الثالثة في النظم والوصف

من شأنهم عدم نوسط الكسوف بينهما

غالب بين الصفات والصفات

وصلة القسم وجوابه والوصف

المقدمة الرابعة في النظم والوصف

المقدمة الخامسة في النظم والوصف

لما يليه فوارق على عند الله كماله دم

خلفه من رتب والأخوات

فلهي حسب ما يقدر

المقدمة السادسة في النظم والوصف

وغيرها

مقدمة

المقدمة الثانية في النظم والوصف

المقدمة الثالثة في النظم والوصف

من شأنهم عدم نوسط الكسوف بينهما

غالب بين الصفات والصفات

وصلة القسم وجوابه والوصف

المقدمة الرابعة في النظم والوصف

المقدمة الخامسة في النظم والوصف

لما يليه فوارق على عند الله كماله دم

خلفه من رتب والأخوات

فلهي حسب ما يقدر

المقدمة السادسة في النظم والوصف

وغيرها

هذا هو الأصل في اللغة العربية
والله اعلم بالصواب

انما يجعل الواو للماضي ^{في} **نحو** في احكامها
والجور والظفر اذا وقع احدهما بعد المعرفة
للمحضة في الواو النكرة المحضة وصفة او خبر
للمحضة فحذف الواو من فعلها بالفعال اما
فيه راحة الفعل ويجب حذف للمعاقلة ان
احدهما صفة او صلة او خبر او حال او كان
كذلك او اعتمد على ضم او استفهام جانبا في
الفاعل او جاء الذي في الدارج وماعدا على
ولو الله سبحانه **بجدة الخلق** في المفردات

الخ

الهمزة حرف في الداء المربوب والموسط والمضاعفة
والمسبوقة وهي الدخلة على جملتها في المصا
فوسوا عليهم ^{منون} انهم ام لم ينالهم فم لا ي
والاستفهام فطالب بها الضم والضمير
نحو اني في الداء عروا في الداء في الداء في الداء
ضلال هل كخصاصها بالضمير في الداء
والخفيف بداهة وحقة فالامة في
مخاطب كانت وانما انما جعلها في خطاب
انفعا والمعرفة به ناصية المضاعفة

من الثقله ومقسمة وشروطها المتوسطات ^{جدي}
 اولهما معنى القول وعدم جعل جملتها ^{ثاني}
 وثقوعها بالاجزاء او غير القسم والاولى بالكم ^{ثالث}
 بدو شرطية وثالثة فحواد الكافة عن الاو ^{رابع}
 ومختلفة من الثقله فحواد كلما اجمع ^{خامس}
 محضون وفراثة الخفيف ومما اجتمعت ^{سادس}
 قلنا اخر ^{سابع} / من ههنا ثلثات بالفتح والشديد ^{ثامن}
 ثانياً ويؤلف مع معولها بصور من ^{تاسع}
 اركان مستقاة بالحوادث كان ^{عاشر}

انذ

انما منطلق وان هذا يدان بالكم ^{الحادي عشر}
 ثم حذفنا كبد ونصب الاسم ونرفع الخبر ^{اثني عشر}
 ونصبتها العلة وفلان يصح خبره ^{ثالث عشر}
 خبرها وحرفها ^{اربع عشر}
 نعالا ان ههنا ^{خمس عشر}
 الاسم في خبره ^{ست عشر}
 وهو ^{سبع عشر}
 والمفاجات ^{ثمان عشر}
 خلاف اذا ^{تسعة عشر}

وينصب نحو اليها وتختص بالفعلة وهوذا التاء
 انتقلت من اول الحرف المشترك في اسمائها
 والفاجا فتختص بالاسمية والالف فيها كلفها
 ام نزل العطف مضافة ومنفصلة فالمنصلة
 هي التي لم يجرها ما قبلها او يقع بعدها شيء
 والاستفهام والمنفصلة كما وصف في تعريفها
 وهي لغة خبر ما بالفتح والشديد حرف مقصور
 غالباً وفيه نحو الشرط لا زوم الفاء وعوض عنها
 عن فعلها اخر مما في خبرها وفيه افعال العطف بقرينة

النقص
 او ما يشبهه

النقص كما لو فعه اول الالكاتب ما بالفتح والشديد
 حرف عطف على الشهور ويبدل للنقص في قوله انشا
 ولما كفوز اول الالهام والشاك والتخبر فالألف
 ولما لا وفيه قبل المعطوف على اسمها ولا يفتق من
 الواو غالباً الى الفتح والشديد به واسم شرطها
 ما لا يجرها والاسماء الحسنى واسم الاستفهام
 نحو الخيل فام وظالة على معنى الكلام الكمال
 فهو من جمل الواصلات واللام في ذلك من الواصلات
 بالياء نحو الواصل ووصله ولا يجر من الواصلات

سواها نحو الكرم والكرم بل بحرف عطف في
 بعد الألف حرف الحكم عن المعطوف عليه إلى المعطوف
 وبعد المقى والمقى بغير الحكم الأول والثاني
 الثاني أو بقلوبكم إليه عناء فيكون بعض حاشا
 للأمناء وحرفا جازما أو فعلا جامدا أو فعلا
 مستمر عائد إلى المصدر مصارعها قبلها فاعا أو
 مفهوم منه والتركيب نحو ما شاء الله وما شاءكم
 بزيادة أو فعلا معوقين أو اسم فعل بمعنى استرخوا
 في عاطفة الجزاء أقوى وأضعف بهالة ذهنية

ونحو

وتقتصر بالظاهرة عند بعض وعرف ابتداء قبل
 على الجوازات فتقتصر بالظاهرة خلاف البرزوق
 بعلمها المضاعف بادن مضمر لا يهمل إذا لا الكيفية
 القابلة للإبطاء للجوازات فتحمله شرطاً وحظاً
 في سنة مواضع وأبرز ما شبه الجوازات التي
 بأشرفه من عطفه ففقد العطف في
 منوعه فالخفيف في خوفهم لا يقع والتركيب
 ناعى فوحى به ففقد العطف في
 على سابقها مستحقاً السببية خوف أصبح الأثر

يا أيتها الأبطال اهل العلم بغير خلاف الفهم

شرح لك صدرك اللهم انشرح صدوري

يا اهل العارف وفقير قلوبنا بحفاؤك والظن

في هذه الوجوه خالص الوجهك الكريم

وقد قبله من انت السميع العالم فان شئت اليك

بحسب محمد وسيد المرسلين واللائمة للعصرين

صلواتك عليهم اجمعين

الحمد لله رب العالمين في يوم

خمس من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٤٤
في مدينة كركوك
سنة الفجر الفقيه محمد باقر

والحمد لله رب العالمين

هذا هو الكتاب
الذي كتبه
في شهر ربيع الثاني
سنة ١٢٤٤
في مدينة كركوك
سنة الفجر الفقيه محمد باقر

الحمد لله رب العالمين
في شهر ربيع الثاني
سنة ١٢٤٤
في مدينة كركوك
سنة الفجر الفقيه محمد باقر

هذا هو الكتاب
الذي كتبه
في شهر ربيع الثاني
سنة ١٢٤٤
في مدينة كركوك
سنة الفجر الفقيه محمد باقر

في شهر ربيع الثاني
سنة ١٢٤٤
في مدينة كركوك
سنة الفجر الفقيه محمد باقر

الحمد لله رب العالمين



هذا الكتاب من كتب
الشيخ الفاضل
المرجع في اللغة
والصرف

هذا الكتاب من كتب
الشيخ الفاضل
المرجع في اللغة
والصرف

في بيان

في بيان
اللفظ والاصطلاح
والصرف والبناء

هذا الكتاب من كتب
الشيخ الفاضل
المرجع في اللغة
والصرف

هذا الكتاب من كتب
الشيخ الفاضل
المرجع في اللغة
والصرف

في بيان
اللفظ والاصطلاح
والصرف والبناء

هذا الكتاب من كتب
الشيخ الفاضل
المرجع في اللغة
والصرف

صور القسم فعل
وكل فعل ما تعلق به ما ياتي

صور القسم
انما تعلق به ما ياتي

العلماء اظهروا ان الفعل لا ينفصل عن المفعول ولا التعلق به
فقط بل ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به
فلا ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به

فلا ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به
فلا ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به
فلا ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به

العلماء اظهروا ان الفعل لا ينفصل عن المفعول ولا التعلق به
فقط بل ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به
فلا ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به

العلماء

العلماء اظهروا ان الفعل لا ينفصل عن المفعول ولا التعلق به
فقط بل ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به
فلا ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي
من شئ ما يكون انما هو ان يسمي له لا يعلق به
فلا ينفصل عن المفعول ايضا ويعلق به ما ياتي

والنحو
حروف

وہی

ای اعلاضہام

فانما شرط
هذه

[illegible]

الحمد لله رب العالمين

[illegible]

ماضی

ومن

کتابخانه عمومی

الطباع و ما فيها من الحروف المصنوعة سنة ١٢٧١

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning names and dates.

والتفريق

[illegible]

الحمد لله

لفظ

وقالوا

ایضا المفق - الفا مع ولم بقصر مدکر الکافی فلا فلا زاد ايضا له ولوجا

[illegible]

البيان

نصف كرم جمل عذري

و هو الثوب

انوری

١٠٨

18

(18)

والغاية المقصود
والمتن منها نص

١٠٠

ففلاض
 مستحق
 الصبح
 موضوع
 التفت
 على الف
 ذم
 لها
 على

قبلہ

اللَّهُمَّ التَّوَكَّلْ

وَأَمَّا

10 22

لغة عامية

المضامير

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

الفأب
والعاجز

مضامین

بعضها الآخر

۱۰۰

مفتی
مفتی

اعضای

والكوفيين

والله اعلم

لفظ المضاعف

42

المختصر

[illegible]

والله اعلم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

تفوت بغيره (الأنهم) فوارضه ٥٥ العس

وحدی صلا
وحدی صلا
وحدی صلا

تم البيع

مجلس العلماء

[illegible]

الفعل

May 1901

[illegible]

المضائق

2

[illegible]

بِالْفَتْحِ

ففعلنا انشاء المنة بوجه انهم ايضا لا يملكون
 في مقام الحفظ من ان يكونوا على الكيفية التي هي
 بعض المنة فلا كانا انما كانا كذا في انهم لم
 لهم بل انهم حصلوا في الفاضل بين المشايخ فكل من
 منع من انقام من ان لا يخاف ان يسمي بذلك من على الخط
 فلكان صحتها من ان لا يخاف ان يسمي بذلك من على الخط
 بالحق لا يجعله غير على الم سلمه مع ان يكون حرف
 الصحيح انما هو الجواب بقوله وانما الحق المضاعف بالحق
 المضاعف في الابدال وهو ان جعله في موضع من قوله
 الحروف التي جعلها موضع من قوله لا يصح في قوله
 فكل من انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 بل لا يكون من انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 الامم المتخيرة في انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 لسكون المنة في انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 اعترضوا في انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 فاعلم ان المنة في انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا

من كثر
 لا يعرف
 حروف
 لا يعرف
 لا يعرف

و قد بين

انما
 اعني صفة العلم انما هي في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 وظلت في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 لمحت بعد انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 البر انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 ففعلنا انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 بمصداقها العاقبة في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 السبب في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 بكلامه في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 الفضايل في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 ففعلنا انما هو في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 من المصداق في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 الشواذ في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 من المصداق في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا
 في قوله لا يليق بان ذلك هي من قوله لا

بالحق
 لما
 ففعلنا
 واما
 لما
 لا

انما

و قد بين

کے

[illegible]

23

1850

[illegible]

فعلته بك الفاء وضم الواو وساو ونصار بضم ا وفتح
نصار حرف المفعول الفاء من الماض وضم الفاعل وضم لام
المفعول والمفعول وهو بالفتح الواو وساو ونصار بضم ا وفتح
كامة علة محذوفة الهمزة مصدر على فاعل وفعل وواو
حالة علة وفعل تارة الواو المالة العية لفظها عليه
مع لفظ الماض فاعففت الواو فقبلت علة على واو
علة فقبل الهمزة وعلة محذوفة الواو كامة ثم زيد
الواو عوضا عنه او اعلم ان الهمزة لا تصح قبل واو
على فاعلة لا تتحرك فاعففت الواو من الماض علة
كامة مقصود المالة الفاء ان لم يكن الياء الياء علة
لا فيها كان الماض مع منه على يفعل بك العاء بضم الاء
منفردة والوجه اسم الماصو ويجوز ان تتحرك
الضمير في مصدره لاجل الاضاع المالك فاعف
ماصو فلم يكن مكسور الفاء المحذوف الواو من
لعدم الهمزة اسم الابقود وقولك وان كان مكسور
الفاء لم يكن محذوف الهمزة فعل لم يحذف ضمير ايضا

غفر

[illegible]

[illegible]

7th

[illegible]

و قال
عمر بن الخطاب

الباء متبوعاً على نحو ما سبق وقت فاعلموا ان المضاف
 ان هذا الكلام غير محمول على من ضم ما بعده او فتح او كسر فاعلموا
 من هذا ان ضم ما بعده كسر من غير ان يكون هو المضاف اليه
 يقال في الجملة اذا ضام ما بعده فاعلموا ان ضم ما بعده
 من الالف وهو قوله بالالف لا يجره اليه من غير ان يكون هو المضاف
 بالضم وفيه ما لا يضاف اليه فاعلموا ان ضم ما بعده كسر
 على نحو ما سبق في الاصل فاعلموا ان ضم ما بعده كسر
 على نحو ما سبق في الاصل فاعلموا ان ضم ما بعده كسر
 يقال في الجملة اذا ضام ما بعده فاعلموا ان ضم ما بعده
 من الالف وهو قوله بالالف لا يجره اليه من غير ان يكون هو المضاف
 بالضم وفيه ما لا يضاف اليه فاعلموا ان ضم ما بعده كسر
 على نحو ما سبق في الاصل فاعلموا ان ضم ما بعده كسر
 على نحو ما سبق في الاصل فاعلموا ان ضم ما بعده كسر

ولا يقي لحيته

في القلبي

في الكلمة وهذا في بعض النسخ والمقتضى ما حاشيته
الحق بالحق وعلم الواو ايضاً بالواو وليت واختر
بطلانها ولا كسر بل هو بفتح الواو والكسر في الحقيقة
لا في الحقيقة في حكم التائب وبات الظل هم بفتح
لأنهم ما قبل الواو فهو موسر فاسم الفاعل يقال
الباء من الواو اسم الفاعل واو واو الاصل يسمى
مفسر لأنه بابو واو فقلت لكوفها الى كوف الباء
واختر اسمها فقلت اسو وطرول غير الخطر بالباء
التامة المضموم ما قبلها اسمها مرة الواو فقلت
افعل منها ايضاً الواو والياء افعل ايضاً الواو فقلت
واو واو اصله افعال قلب الواو واو واخترت الباء والياء
اذا كان مقام يدفع الشك ولم تقبل جاء على ما هو مقصده
لأنها ان قلبت جاء ولم تقبل ان لم قلبها ان فوضو لا فلة
فا ان لم يكن افعال بل يمكن ان فكر ان الخارج في
نظره لأنه لو قلبت الواو اء لا يجوز قلب الباء اء ولا يحتمل
كل الباء لا فلة من الفعل كما سنذكر في اللهم وفي

الجواب

٥
قامت به التفتك
المفتك

تقریر تعلقہ اولہ الاولیاء علیہ السلام
علیہ السلام

على النفاذ منهم بانفسهم بقول الواو الفاء لانه وجب قلبه
كله فذا هو علم بانك بالياء انقلبه فقلت الفاء الفاء فها هو
وقد علموا ان كل واحد من هؤلاء قد علم بانفسه
قلبت الالف واذا كانوا فيهم ما قبلوا هذا في اسمهم طرد
واجترعوا على ان يسموا بنفسهم بالياء الفاء فحقا انقلبه
اسماءهم بالياء ففهموا ونفسهم بقلب الياء اسماء والى ان كانت
موجبة على الكل وقلبت الالف فلو ان كل واحد من هؤلاء
هنا كان موقفا في نفسه اسم لنفسه وكما في اسم الله
وعبر هذه العبارة كقولنا ان كل واحد من هؤلاء قد علم
بالياء في نفسه اسم لنفسه ففهموا ذلك على حاله
كانت عليه في القملا ففهموا بقوله حكيم على بعض
يقول للمعال الفاء من لا تعلم حكيم حكيم المضايف
من غير الاعمال في فهمها كالحق وامشاعه وجوانه وشا
احكامه من ان كل واحد من هؤلاء قد علموا كذا وكذا
والا كل واحد من هؤلاء قد علموا كذا وكذا
ما فيه من الاعمال والاعمال ففهموا ذلك على حاله

فصل پنجم

مفتوح

وقد حُكِمَ في هذا الشأن أربع مائة كانت فتاوى الشيخ وهو حق في فتاواه
أعظم الفائدة للامة وهذا قياس مطرد والعادة رفع الشكوك
على ما به لا يشترط أن يصح صواب العبد وقدره الشواهد
تبيح العلم لا صوابه فكأنه صوابه أي الفتاوى القوية وهو الصواب
والصواب في الصواب إذا ما لا الجاهل خلقه فإدراكه قد تواتر
للبصائر في الكفر لم يقبل الماء الفافك كذا في عالم
يكفره الكفر المستقر في القيوم له الماض والمضارع
مضارع أو لم يجر منه أو لم يبق منه أو لم يبق منه أو لم يبق منه
تقبل فتاواه الجاهل كذا في القيوم له الماض والمستقر في القيوم
له الماض والمضارع وفيه أو صوابه كذا في القيوم له الماض والمستقر
على فتاواه في غير ذلك فتاواه في القيوم له الماض والمستقر في القيوم
له الماض والمستقر في القيوم له الماض والمستقر في القيوم له الماض والمستقر
أو صوابه كذا في القيوم له الماض والمستقر في القيوم له الماض والمستقر
الفرق في الفعل ومضمون العبد وقدره فعله ومضمون العبد
من الماض والمستقر في القيوم له الماض والمستقر في القيوم له الماض والمستقر
بغير الاضطرار على العلم والاكبر على الجاهل كذا في القيوم له الماض والمستقر

4682.

كاسية في الأمانة ولم يبق فعل أصلي له بعد فقلنا
 بك العبري المذكور أصلي وفي بعض النسخ أصلي
 بعد ان تقولوا ظم العبري وهو في غير ذلك العبري
 لم يبق له أصلي فقلنا كذا في بعض النسخ العبري المسمى
 ايقانه ما بالظليقة لأنه لا يعلل على ما هو بالاصل
 هذا كالأقابلة في غير ذلك كذا في بعض النسخ
 منقولين هذا كذا في بعض النسخ
 التغيير عدم القول بما فيه فقلنا كذا في بعض النسخ
 تغيير نحو ما فيهما الأصل في غير ذلك فقلنا
 والذكر في بعض النسخ كذا في بعض النسخ
 من اللوا والذكر من اللوا كذا في بعض النسخ
 اعادوا واليا لأن في النسخ كذا في بعض النسخ
 فالعوض اللانقيض بالاصل في بعض النسخ
 صلي في كذا في بعض النسخ
 عنده ولا الصلي في كذا في بعض النسخ
 لهذا في كذا في بعض النسخ

فلا يفترعوا حالها

1900

27

فانه لا تغلف فيها الواو بالواو وقد لحقت ولا اصل حوت
فبب ولا اصل حوت وطلت ولا اصل طوت فالحقت
بنقل حركة العين بما قبله ثم حذفت واو الطاء والظ
هذه هي الاكثر من وعضو الواو الذي هو اكلوا من اكل
الطلب من كتبهم ولا ينبغي ان يراعى الماضى في الواو
كثرت الظاهر الواو اعني مفتوح العين ومضموم
فكسر واوها كان ليعاينها ففتحت في الواو
ولم يزلوا يبالغوا في القيل والقال في اصل صوتها ففتحت
الواو الواو فبب بعد اسكان ثم قلت الواو باء كونا
ولذلك ما قبلها ما قبلها في كسر فحركة اللها كانت
لنقل الحركة اليه فبب بالواو وبمع خلاف الباء في الواو
بالقيل والقال اصديع ففكر الباء الواو بالواو
حذف الضمة هذه اللفظة المشهورة وفي الحذف اخذ
بالباء ليعاينها ما صود ويوح بالواو وحذف حركة
العين وقد قبل الباء واذا قلنا ضمها ما قبلها ما صود
اللفظة الاصلية ففكر الاكشاف للواو كانت حركات

۲
میتا

فقط

لشکونها هم

1907

[illegible]

واصل صحتك شوقاً

وَلَقَدْ

مفتوح العين اليائى المصقلة

الأصل في هذه الباب الضم وحقيقة هذا الكلام ان
ضم كسرة قال المصنف والضمه ضم اليا الى الاء
بعد حذف الواو قبل الاء فلهذا جاء كحما قاله هو في
منه الخلة والضم كسرة في الضمة فقطع كسرة الاء
كسرة الأصل كسرة الوقوف كالأبدال بضمة خالصة
بعد حذف الاء كسرة في الاء في ضمهم كسرة في حقه
الضم وذلك بعد حذف الواو والياء والوقوف في
المضارع من الواو بضمة ويجمع كسرة الاء و
اعلى الهمزة بالنقل والضمه الضمة والياء كسرة والياء
المواقفها الأصل في صور ويجمع كسرة في ضم
يخاف من الواو وفيه الاء والياء واعلى الهمزة
بالنقل والفاء اما النقلة فهو في كسرة الواو والياء
والياء هما في الأصل وضمة في ضم كسرة في الاء
الضمة في الوقوف بالياء والياء الضمة في الأصل
نقل ما قبل الاء في المضارع على الضمة وانما في
بعضه انما في الاء والياء والياء الضمة

لشکونها هم

بالاشياء

بالمعروف

صوفی صوفی

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

July

انسان کی

21

تلك هي بقية الاشياء التي لا تعلق بها قلوبنا ومع اننا نعلم ان هذا هو الحق
 المتأكد فلا بد ان يكون كذلك والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 المضمون اليه ولا يظهر في غير ذلك والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 وهو الموصوف بالافضل والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 فيما لا يمتنع عليه والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 شئ من هذه الامور والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 فكل ما يمتنع على غيره والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 فلا يمتنع على غيره والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 صفاتها والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 الموصوف بالافضل والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 الاثبت في حقها والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 الموصوف بالافضل والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 هو الموصوف بالافضل والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 ظاهر في هذا والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
 جاست مع غيره والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره
والمتأكد هو الذي لا يمتنع مع غيره

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

اعراض عنكم انتم تعار

[illegible][illegible]

12

[illegible]

الفعلين كذا وكذا صدق لهما فعله فيقوم قياما أو لا
 قوله أو فعلهم حاله أو لم حاله شاكرا أنك قد وفيه نظر
 لأنه اسم لصدق حكمه فلم يقل حكمه الياء إلى ما قبله
 ينقل إلى ما قبله فاقامة لا بد فلا تخرج الفعل من أصله ولا
 تنقله فعل ولا لا يجب صدق لهما أو لا فعله في
 جملته ولا أصله خبره خبرا اختياريا على الأصل لعدم
 العمل بالاصطلاح وهو ثابت في الأصول وهو ما ذكرنا
 في التمهيد ولم يجرى مجازا ولا علمه ولا كونه مجوف
 نقول على علي ولا يثبتها إلا فعله على الأصل في
 الجواب فلا أصل له فيجب نقله إلى الأصل
 ما قبله وقبله أو لا في الماضي كما في الجواب وفي الماضي
 الذي كذا في الجواب يستقيم بتمامه ولا أصل له في
 نقله قبله فيجب صدق لهما أو لا فعله في
 الماضي أو قبله كما في خبره ينقله إلى الأصل وينقل
 قبله أو لا في خبره خبرا اختياريا على الأصل لعدم
 العمل بالاصطلاح وهو ثابت في الأصول وهو ما ذكرنا

الف

Handwritten text in Devanagari script, likely a continuation of the previous page, starting with 'सर्वप्रथम' (Sarvapramam).

[illegible]

انها متقلبة عن
والله اعلم
في حيث الاعمال

من قبل ان يضع العبد موضع الامر واللام موضع العبد
فيقول شكنته على العبد الخ فيكون كما يدرك ويقول شك
فيكون في قاع فعل هذا الفاعل جاء في مثالي اعمد
فيما انبأ لك فيها وليت مثاليا ياتي الي الحق الحق في
على الخ في قوله مثالي اعمد وليت مثالي
بالفعل وهو من مثالي اعمد وليت مثالي
المراد به جعل العبد الموضع كـ والاصول
منهم والاصول منهم ومنهم والاصول
وهذا والاصول من مثالي اعمد وليت مثالي
لا يثبت كما تقدم واسم المفعول من المفعول المفعول
المفعول كـ وصيغ المفعول من المفعول المفعول
كـ في هذا المفعول والاصول من المفعول المفعول
فقال في العبد المفعول المفعول المفعول
في العبد المفعول المفعول المفعول
في العبد المفعول المفعول المفعول
في العبد المفعول المفعول المفعول

الحق

۱۱۲۱

المطهر

ولا فرق بين هذا وبين الموضعين فلهذا قالوا فاصبح معي
 فقد حتموا الى الاموات ولما اوحى اليه ان قال لا تخف اكره
 فقالوا يا ابا عبد الله واليه واليه فوجبه بسبب يوحى
 لا تخافا لا اكذب لئلا يجحدوا في الآفاق فخرجوا اوله وكان
 قال لا تخفوا الا انكم تجدون في اسبهم ولا عذر ولا عذر
 العذر دفع الانبياء من قبل اياته ليعلموا ان السبب
 لا يوجب الاثم ايضا فافهموا في الامور والاعمال والعلامات
 لا تخفوا لانكم انتم اعلموا بالهاشمية اقصاها اقصاها
 لخصمهم فمضوا في كل ايامهم الا مكرها او عذرا فاعلموا
 انهم لم يبعوا ولا عذرا او مكرها او عذرا فاعلموا في الميزان
 من غير ان يوافقوا في الامور التي ابروها الا في كل حال
 هو الاصل كما لا يخفى فروع وجوه التنوير ولهذا النفا
 لا اكذب ولا تخفوا فخرجوا في كل حال ولا عذر ولا عذر
 قالوا فخرجوا لانهم لم يبعوا ولا عذرا فاعلموا في الميزان
 من غير ان يوافقوا في الامور التي ابروها الا في كل حال
 هو الاصل كما لا يخفى فروع وجوه التنوير ولهذا النفا

لکھنؤ

1000

[illegible]

فلف

[illegible]

مكتبة
مجلس
العلماء
بمصر

[illegible]

11

[illegible]

三

[illegible]

اذا

حفظ

[illegible][illegible]

وهو القادر والذو الجلال
العزيز

لا تفرحوا

Handwritten signature: *John W. Alden*

1796.

قبایم

[illegible]

وَمَا قَالَ لَرَجُلٍ إِذْ أَخْرَجَهُ الْغَيْمُ
خَدَّيْهِمَا وَأَخْرَجَ الْغَيْمُ
وَمَا كَانَ مِنْكُمْ شَيْءٌ إِلَّا فِي
عَيْنِ رَجُلٍ فَإِنْ كَانَ
عَالِ لَرَجُلٍ فَإِنْ كَانَ
وَالْقَوْلُ لَرَجُلٍ إِذَا قُلْتُ
أَنْتَ قُلْ

والاستثناء

18

مجلس

[illegible]

کتابخانه عمومی و مدرسه علمیه

[illegible]

1954

[illegible]

28

الاصف

مرضوخه ملا احماد
الازعام اذ يميزان
تقال حتى ع

سرفا

اجتماع الاعلا
لما عليه

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

124

بلغ

54

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, written in a cursive style.

chi

الواحد

پیشوون

فَقَسْ

۲۲۴

۴۴

للألف

الف

وهذا النوع ٣

وقام الصواب

على عني كذا للمعنى في ذلك الباب ثم التفت إلى الألفاظ
 فوجدت في كلامه من تحقيرها وقال الأخصى ألفاظا
 منقولة عن الواو بغير الواو والتمت أن يقرأ الواو
 التزم بها قال في علمه أوله وثلاثه العبي فيهما ألفا
 دون اللام كونه اجتمع حرف الطاء في كل واحد
 فصل في بيان المجهول وهو الذي لا يحدده وصف الأصول
 هو ولفظ المجهول يشبه بذلك وهو على ثلثة أقسام الأولى
 أما القاء بضم القاء وضم الميم وهو العبي والواو وسط
 أفلام بضم الميم وهو اللام والعرب المجهول في تصانيف
 فعلم الحكم الصحيح كذا في غيره من صحيح بلغة المجهول
 الأولى أن السجدة في العلة بضم السين في الأصل
 المجهول في اللغة الأصلية وهو في العلة كذا في
 الصحيح فلفظ المجهول إذا أطلق في فهم من الخلق
 على الأصل بضم السين في العلة فوقها المضاف على الأصل
 ولما لم يحدد في الأصل المجهول فمضت إلى الأولى
 ادعى الحكم المجهول في الأصل بضم السين في الحكم مماثلين

وليتي

غير المحمدي لان كل هؤلاء قاض اعزهم كان مثالا
 في الخلق ذلك لما جاء الامم من غير السلام افيهم
 انهم انما لم يسيروا في الاوطان الا في طلب الحق في
 عذرهم انهم انما الحق وانهم اذا وقع بهم القتل في طلب
 بها فانها تحفظ اذا وقعت في اول الكلمة انهم في
 بها فوالله ما كان في ذلك الا في طلب الحق في
 انما يكون في اول الكلام بل يقيم عليه شيء وكما تحفظ
 سبيلك في كل ما في الوجود في طلب الحق في
 انما يكون في اول الكلام بل يقيم عليه شيء وكما تحفظ
 سبيلك في كل ما في الوجود في طلب الحق في
 انما يكون في اول الكلام بل يقيم عليه شيء وكما تحفظ
 سبيلك في كل ما في الوجود في طلب الحق في

[illegible]

الارضين

فقط لا يجوز أيضاً ادعاء جوازها فإما أن الزيادة
الحرة لا يجوز والزيادة لا ترفع ولا تترك ذلك
في دفع مبلغ ما في كل واحد من الطرفين كما في
قانونهم لما ذكرناه من أنهما في النفاذ كل واحد في الثاني
مكتنفاً ولا حكماً في كل واحد من هذه الأقسام
بذلك لا يتحقق في الثاني والأصل في حكمه أن لا
يقبل الثاني الفاعل في أحد الطرفين كالمعجم
فقط بما في الثاني من الجوانب وإن شاءت أمة
فقط لتقبل الثاني ولا تكون الأمة الأولى
للتقلب في نفسها أو أوياً بحرة وصل في الثاني
نفس الأمة الفاعل في أحد الطرفين على الأصل
أو على الأصل في كل واحد من الطرفين
صلى الله عليه وسلم في دفعه عن الثاني في الثاني
على الطرفين فلهذا في الثاني الثاني في الثاني
والأصل في دفعه عن الثاني في الثاني في الثاني
حرة ولا يجوز في الثانية ولا في الثانية في الثانية

أَمَقِي

175

مروون

۱۰

الفصل

نبأوى

صلى الله عليه وسلم
فأخبرني قلبت القاء
فأخبرني

النَّاتِ

5

فم

خام

بالضم

الفرد

3

وایست

مأساة

۲۵۴

وفد

انعام

برجی

برجی

1849

[illegible]

This is a highly degraded and heavily stained page from an old manuscript. The text is written in Persian/Arabic script. The main title, "کتابخانه" (Library), is visible in the center. The page is covered with numerous circular and oval stamps, many of which are illegible due to fading and damage. Some legible stamps include "کتابخانه" (Library) and "موزه" (Museum). The text is mostly illegible due to the poor condition of the document.

